

گفت هومن نصر دینی گفتیم ما نقول فی ما وای الحسن الاشعری گفت ما
 قلت وقول صدق الایمان ایمان والحکمة یمانه بعد از آن کسی که نزدیک من بود
 گفت این سوا که حاجت میبکشی دعای دخواست کن که ترافایه کن بعد از آن گفتیم یا
 رسول الله مراد عایبیا مونفرمود قل اللهم ثبت علی حق التوب وارض علی حق
 لا اعتد وحبیب الی الطاعه وکونه الی الخطیات بعد از آن ازین پرسید که بجای یزید
 گفت بره و فرمود که از و مراد داخله المعصوم و من از واقعه باز آمد و در اینجا فرمود
 و مولانا موقوف الدین کواشی اینجا بود و در آخر عمرش بر کشته ریاضت وی رفت و
 که تو گیتی بگفتیم گفت از بجای ای گفتیم از بعد از آن که مروری گفتیم بر و
 گفتیم و گفتیم بل گفت الزور ما داخله المعصوم من شیخ و دست در آمدن
 او در و گفتیم مکر شهادت مجلس و شین حاضر بود بگفت دعای دینی دست
 از وی بلا شتم و باز گفتیم شیخ رکن الدین علامه الدوله قدس سره گوید که
 جمال الدین مروری عزیزی بود و او اقصای نعم مشهوره در علوم بسیار راست
 او و اما مغزالی و واهم سطر پیش نبوده است و این حکایت وی دلیلات
 مرصحت و نقد شیخ بعد از آن چون شیخ بعد از آن دوازده سنه و ستمانه
 شهید گردید خاقان وی که آنکس بود و بزایه نیشابور نقل کرد و در سنه
 ثلاث و ثلثین و ثمان ماه و نیا با سفر از نیشابور رفتند **شیخ سعد الدین محمد**
قدس سره نام وی محمد الدین بن ابی کریم بن ابی الحسن بن محمد بن حمزه است

در و مروری در نیا بدین
 شیخ محمد الدین بن ابی کریم بن ابی الحسن بن محمد بن حمزه است

در و مروری در نیا بدین
 شیخ محمد الدین بن ابی کریم بن ابی الحسن بن محمد بن حمزه است

از احباب شیخ نجم الدین که نسبت قدس الله تعالی روحه فی تاریخ الیافوکان
 صاحب احوال و دیاضات و احباب مریدون و کلام من سفیقا سیون
 مدتی جمع الخراسان فوقی هتاک در علوم ظاهری و باطنی بکار داشت
 مفتحات بسیار در از چون کتاب محبوب و عجیب لا رواج و غیر آن و در مصفا
 وی بخشان مرید و کلمات مشکی و ارقام و اشکال و دیوار که نظر
 عقل و فکر رکشف و آن عاجز است نسبتا راست و همانا که تا بدید بصیرت نبود گفت
 منفع نشود از امان متعبد راست وی گفته است بشرای الله سبحانه و قال من یصف
 کلام بحسن القبول و الاحتقاد فی ذکر و تعریفی فقد اندیجت فی نطفه العیون
 و المعرفه و ان التمس علیه فی الحال فقد ثبت له النصب فی طوره من طواره شیخ صدق الله
 قوی قدس الله تعالی من بصیرت وی میس سید است میگوید که از وی شنیده
 که میگفت مواثیق است و در میثاقی است بر که مخصوص است از آن شیخ خود شیخ
 الدین قدس الله تعالی سر و باز گفتیم گفت کلیات را میگوید و آنکه جنوب یا شمال
 پیش است شیخ مؤید الدین الجندی در شرح فصوص الحکم میگوید که شیخ صدق
 دوزی در مجلس سماع با شیخ سعد الدین حاضر بود شیخ سعد الدین داناتی
 سماع روی در صفا که در آن منزل بود که با دب تمام مدتی بر پای ایستاد و بعد از آن
 چشم خود را پوشید و گویا از آنکه این صد الدین چون شیخ صد الدین پیش آمد چشم
 بردوی وی بگشاد و گفت حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم در آن صفا

شیخ زده داده ای نقالی پاک و کلام آنکه
 کوشش در سخن نبی بحسن قریب و اعتقاد و روی
 تقای را درین و تعریف من دارد تحقیق میرایا
 علم و معرفت در حقیقت و میمندرج است
 و آنکه فی الحال کن بسیار اهد شد و بر این
 در طوری از اطرار که اس شخص را پیشاید

نیقیا یا نیستم بر و در اشرا

Copyright © King Fahd University